



MHJ

مجله تاریخ پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و ششم، سال ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mh>



مقاله پژوهشی

سابقه مومیایی در ایران؛ ماهیت، منشاء و کاربرد آن

مهدی علیجانی^۱، محبوبه شرفی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری ایران شناسی، بنیاد ایران شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مومیا نوعی ماده معدنی است که از دیرباز در ایران کاربرد دارویی داشت و بیشتر در درمان شکستگی استخوانها و زخمها به کار می‌رفت. درباره کاربردهای درمانی آن در پزشکی نوین پژوهش‌هایی انجام شده، ولی درباره نامگذاری، جنس و ترکیب، منشاء، معادن، تجارت، باورهای عامیانه و نیز کاربرد درمانی تاریخی مومیا پژوهشی انجام نشده است. این پژوهش تلاش دارد به همه این موارد در یک روند تاریخی بپردازد تا ماهیت این ماده روشن و ابهامات در مورد آن رفع شود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به بررسی همه جنبه‌های مومیا در ایران پرداخته و در آن علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، آخرین مقالات و نتایج آزمایش‌های علمی جدید نیز بررسی شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد مومیا یک نام ایرانی است و مومیایی ایرانی نیز از مرغوبیت زیادی برخوردار و در دوره‌هایی جزو محصولات صادراتی ایران بود. بیشتر معادن آن در ناحیه جنوبی ایران به‌ویژه فارس قرار داشت. این ماده کالایی بسیار قیمتی بود و در درمان اغلب بیماری‌ها به‌ویژه شکستگی‌ها، کوفتگی‌ها، درمان زخمها و غیره از آن استفاده و در باور مردم دارویی معجزه‌آسا تلقی می‌شد.

نتیجه‌گیری: برخی کاربردهای درمانی مومیا در درمان شکستگی‌ها و زخمها، مشکلات گوارشی و سرطان پستان با آزمایش‌های جدید علمی اثبات شده، ولی در یک نتیجه کلی باید گفت در قدیم درباره خواص درمانی آن بسیار غلو می‌شده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۵

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۱/۲۳

واژگان کلیدی:

مومیایی

طب ایران

داروهای معدنی

شکستگی

* نویسنده مسئول: دکتر محبوبه شرفی

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

پست الکترونیک:

sharafi48@yahoo.com

مقدمه

زخم در موش سوری^۱ و «بررسی اثرات مومیایی در التیام و شکستگی استخوان تیبیایی^۲ خرگوش»، مقاله منصوره قوام و همکاران با عنوان «بررسی دانش بومی کاربردهای درمانی مومنیایی (مطالعه موردی: شهرستان بهبهان)» و رساله دکتری سولماز رحمانی باروجی درباره «بررسی اثر ضد سرطانی مومیایی روی رده سلولی سرطان پستان» که شهریور امسال دفاع شده است.^۳

تحقیقات انجام شده اکثراً جنبه پزشکی نوین دارد و حتی به کاربردهای آن در پزشکی قدیم نیز به طور همه‌جانبه نمی‌پردازد. در حالی که پژوهش حاضر تلاش دارد ضمن پرداختن به کاربرد پزشکی و درمانی این ماده در طب قدیم، ماهیت و جنس و ترکیب شیمیایی، پراکندگی جغرافیایی معادن مومیا در ایران، نحوه استخراج، باورهای عامیانه، نقش آن در تجارت و بازرگانی ادبی و غیره را از خلال داده‌های آثار تاریخ‌نگاری، جغرافی‌نگاری و طب و اکاوی و تحلیل کند.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که پژوهشی همه‌جانبه درباره یکی از مهم‌ترین داروهای معدنی طب سنتی ایران صورت گرفته که علاوه بر کاربرد طبی به ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، مردم‌شناختی و حتی ادبی آن توجه شده است. امری که تاکنون انجام نشده و این پژوهش در نوع خود نوآورانه است.

درواقع، سؤالات اصلی پژوهش شامل همه این موارد است تا تصویر روشنی از این ماده دارویی قدیمی و پرکاربرد ترسیم شود که به همه ابعاد ماهیتی، تجاری، اجتماعی، معدنی، طبی و حتی ادبی آن پرداخته باشد.

ملاحظات اخلاقی

صداقت و امانت‌داری در ارائه گزارش و انتشار مطالب رعایت گردیده است.

۲. Tibia: استخوان درشت نی

۳. مشخصات این مقالات در بخش منابع همین مقاله به تفصیل آمده است.

در طب سنتی ایران، علاوه بر گیاهان دارویی از مواد معدنی نیز برای درمان بیماری‌های گوناگون استفاده می‌شد. از جمله این مواد که از قدیم، در درمان طیف گسترده‌ای از بیماری‌ها به کار می‌رفت، مومیا یا مومیایی است که ایران از دیرباز به داشتن معدن آن شهره بوده است.

البته این ماده در طب سنتی (Traditional medicine) یا (TM) برخی سرزمین‌های دیگر نیز کاربرد داشته (۱) ولی در این پژوهش، ما به جوانب مختلف آن در ایران می‌پردازیم.

در قدیم برای این ماده، خواص دارویی بسیاری قائل بودند و این موضوع به همراه افسانه‌هایی که درباره آن وجود داشت، باعث شده بود که مومیا ماده‌ای بسیار گرانبها تلقی شود و هر آنچه از معدن استخراج می‌شد، به سلطان وقت اختصاص یابد. حتی در برهه‌هایی این ماده به عنوان یک محصول دارویی از ایران صادر می‌شد. همچنین به علت رازآمیزی آن، باورهای عامیانه‌ای در مورد مومیا شکل گرفته و حتی در اشعار شاعران نیز نمود گسترده‌ای داشت.

درباره این ماده، چندین پژوهش در دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام شده که اغلب آنها معطوف به راستی‌آزمایی کاربرد درمانی آن است که البته مهم است و باید پژوهش‌های بیشتری درباره آن انجام شود. ولی درباره سایر جوانب مومیا تحقیقی انجام نشده است. همین‌که این ماده به عنوان «داروی صادراتی ایران» در برهه‌هایی از تاریخ حتی به اروپا صادر می‌شده، خود گویای اهمیت موضوع است.

از جمله این پژوهش‌ها عبارتند از: مقاله امید آذری و همکاران با عنوان «اثر مرهم مومیایی بر روند التیام زخم‌های جلدی در خرگوش»، مقاله محمدالله توکلی و همکاران با عنوان «مصرف موضعی مومیایی و کرم فنی توئین^۱ بر ترمیم زخم پوستی در موش صحرایی»، دو مقاله مظفر رضوانی‌پور و همکاران با عنوان «تأثیر مومیایی روی برخی شاخص‌های دخیل در ترمیم

۱. Phenytoin

مواد و روش‌ها

در این پژوهش بنا به ماهیت موضوع، تلاش می‌شود ضمن بهره‌گیری از روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌های تاریخی، جغرافیایی و طبی و نیز مقالات گوناگون، به تحقیقات کاربردی و میدانی انجام‌شده نیز توجه شود. روش کار نیز جستجوی واژه «مومیایی» و دیگر نام‌های مشهور آن در منابع تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌های دریافت شده است.

بحث

۱. ماهیت مومیا

۱-۱. واژه

در تحفه حکیم مومن، «مومیا» واژه‌ای «یونانی» و به معنی حافظ اجساد دانسته شده که آن را به فارسی مومیایی می‌نامند (۲). مؤلف مخزن‌الادویه نیز بر همین عقیده است (۳). اما ابن حوقل، جغرافیدان قرن چهارم هجری، این واژه را «فارسی» می‌داند که مرکب از «موم» فارسی به همراه «آیین» است. «آیین» نام روستایی نزدیک غاری در دارابگرد فارس بود و چون این موم بدانجا منسوب بود، اصطلاح «موم آیین» بتدریج به «مومیایی» تبدیل شد (۴).

شاردن^۱ سیاح فرانسوی نیز می‌نویسد: «مومیایی کلمه‌ای فارسی است، و از لفظ موم که به معنی صمغ و انگوم است، مشتق شده. در زبان عربی و عبری این کلمه به همین معنی است» (۵). بعید به نظر می‌رسد که وی فارغ از فضای عمومی دوره صفویه، چنین استنباطی کرده باشد بلکه به احتمال زیاد، برآیند نظرات آن دوره درباره این واژه را بیان کرده است.

دلیل دیگر آن است که مومیا در زبان فارسی گاهی «مومینایی» خوانده می‌شود و حتی امروزه در بهبهان نیز به این نام معروف است (۶) این واژه به معنای موم منسوب به مکانی به نام «نایی» است که واقعاً نزدیک بهبهان وجود داشته است.

۱. Jean Chardin

دید^۲ سیاح روسی که در سال ۱۸۴۰ م به لرستان و خرم‌آباد سفر کرده، از روستایی به نام «نایی‌ده» در حومه بهبهان خبر می‌دهد که مردم آنجا، مومیا را جمع‌آوری می‌کردند و به این سبب به «مومینایی» مشهور بود (۷).

این ماده در کتاب‌های فارسی و عربی با نام‌های عرق کوه، قیر طبیعی، زفت رومی، عرق الجبال، قیر معدنی، زفت، زفت یابس، زفت‌البحر، کفرالیهود، قفرالیهود و آسفالت معدنی نیز خوانده شده است (۸). مومیا در طب سنتی سرزمین‌های مختلف نام‌های دیگری داشته است.^۳

۲-۱. جنس و ترکیب

مومیایی نامی مشترک برای دو نوع ماده بوده است: یکی «مومیایی قبوری» که نام ماده‌ای سیاه بود که «برای حفظ اجساد مردگان از پوسیدگی و گندیدگی و زوال» به کار می‌رفت و «مصریان، مردگان خود را بدان آغشتندی تا از گندیدن و پوسیدن اجساد منع کند» و دیگری «مومیایی معدنی» که «برای معالجه برخی امراض» به کار می‌رفت (۸) و ما در این پژوهش با معنای دوم آن سروکار داریم.

جنس و ترکیب مومیایی معدنی برای مدت‌ها نامعلوم بود. این اعتقاد وجود داشت که در معدن آن، آبی می‌جوشد، سپس دگرگون و چون مومیایی می‌شود (۹). در تحفه حکیم مؤمن نیز آمده است که: «آب چشمه‌ای است در بلاد فارس که مانند قیر، منجمد شود» (۲).

برخی نیز منشاء مومیایی را بعضی گیاهان دارویی می‌دانستند که به عللی لابلای سنگ‌ها حبس شده و پس از تخمیر، به تدریج سیلان می‌یابد و از شکاف سنگ‌ها خارج می‌شود (۱۰).

۲. Augustus DeBode

۳. مثلاً در طب سنتی هند به نام‌های *Shilajit*, *Silajita*, *Marathi* یا *Gujarati*، در انگلیسی به نام *Asphalt* یا *Bitumen*، در بنگالی به نام *Silajatu*، در تبت به نام عصاره سنگ یا *Rock juice*، در سانسکریت به نام فاتح کوهها یا *Conqueror of mountains*، در عربی حجرالموسی یا عرق الجبال، در یونانی *μούμια* یا مومیا، در روسی *Myemu* و در آلمانی *Mumie* خوانده می‌شد (۱).

مومیایی وجود دارد که اجزای مهم و فعال زیستی آن به شمار می‌رود (۱۴). (شکل ۱)

۱-۳. مومیایی اصل و تقلبی

مومیایی بین مردم ارزش فوق‌العاده‌ای داشت (۴). بنابراین از قدیم در مقابل مومیای اصل، نوع تقلبی آن نیز وجود داشت و برخی شیادان با توجه به اقبال مردم به این ماده، نوع تقلبی آن را نیز عرضه می‌کردند.

نایاب بودن مومیای خالص به این موضوع دامن می‌زد؛ چنان‌که در قرن چهارم هجری، پس از جمع‌آوری مومیایی از غار دارابگرد، محل آن را شستشو می‌دادند و باقیمانده مومیایی به همراه آب و ناخالصی‌ها در دسترس مردم عادی قرار می‌گرفت و خالص آن به خزانه شاه منتقل می‌شد (۱۵).

بهترین نوع مومیا سیاه، صاف، براق و نرم بود، بوی بدی نداشت و آغشته به خاک و خاشاک هم نبود (۱۶). (شکل ۱) همچنین اگر در دست گرفته می‌شد، سریعاً مثل موم خالص، نرم و به دست آغشته می‌شد، ضمن آنکه باید پای شکسته مرغی را ۴۸ ساعته خوب می‌کرد (۱۰) در غیر این صورت، تقلبی یا ناخالص تلقی می‌شد. راه دیگر تشخیص مومیای اصل هم این بود که خراش روی جگر گرم و تازه گوسفند را بهبود بخشد (۱۷).

تشخیص مومیای اصلی از جعلی به حدی دشوار بود که به گفته یک پزشک اروپایی در عصر قاجار، برخی عطرها که به فروش دارو و گیاهان دارویی می‌پرداختند، تفاوت مومیایی اصلی از جعلی را نمی‌دانستند و حتی عطاری با فروش مومیایی جعلی به ثروت فراوانی دست یافته بود (۱۸).

۲. معادن مومیا در ایران

در ایران، معادن مومیا وجود داشت و محصول همه آنها متعلق به شاهان بود. آنان نیز این ماده را مانند لعل و جواهر به عنوان یک ماده کمیاب یا نایاب به برخی افراد هدیه می‌دادند (۴).

به احتمال زیاد، قدیمی‌ترین منبعی که در آن، به وجود معدن مومیا در ایران اشاره شده، کتاب «البلدان» تألیف ابن فقیه

پاشینو^۱ سیاح روسی که از کاربرد مومیا در ترکستان و ماوراءالنهر خبر داده، از منشاء و جنس آن ابراز بی‌اطلاعی کرده است (۱۱).

در تعریف امروزی مومیایی آمده است: «مومیا، ماده قهوه‌ای یا سیاه‌رنگ نیم جامدی است که در نتیجه اکسید شدن هیدروکربورهای^۲ نفتی در شکاف‌ها و شکست‌های طبقات زمین که در مجاورت ذخایر نفتی زیرزمینی هستند، پیدا می‌شود. این ماده در واقع، نوعی قیر طبیعی است که غالباً مخلوط با شن و خاک است بنابراین نوعی آسفالت طبیعی همیشه در محل‌هایی که مومیایی پیدا می‌شود، به وجود می‌آید. مومیایی در دمای صد درجه ذوب می‌شود. در ترکیب مومیا علاوه بر هیدروکربور، اکسیژن و ازت، گاهی گوگرد هم وجود دارد» (۸). این تعریف تا حد زیادی منطبق با واقعیت است چون پژوهش‌های علمی، وجود مواد قیرمانند در آن را تأیید می‌کند ضمن آنکه تجزیه شیمیایی و طیفی مومیا، حاکی از وجود هیدروکربورهاست (۱۲).

همچنین براساس این پژوهش‌ها، مومیایی به دو نوع محلول در چربی و مواد آلی مانند الکل و کلروفرم (نوع موضعی) و دیگری محلول در آب (نوع خوراکی) تقسیم می‌شود. نوع اول قیرمانند ولی نوع دوم، متفاوت است و تجزیه شیمیایی آن، حاکی از وجود یون‌های کلسیم، فسفات، کربنات، منیزیم و نیز ازت و پلی ساکاریدهاست (۱۳). تحقیقات جدیدتر وجود مواد زیر را در مومیایی نشان داده است: *Dibenzo-alpha pyrenes*, *Fulvic phenolic acids triterpenes phospholipids* و *Humins and humic acids acids* و عناصری مانند آهن، کلسیم، مس، روی، منیزیم، منگنز، مولیبدن و فسفر. در این میان دو اسید مهم هیومیک اسید و فولویک اسید در ترکیب

۱. Pashino Peter Ivanovich

۲. hydro carbon: دسته‌ای از مواد آلی که در ساختار مولکولی آنها، فقط اتم‌های کربن و هیدروژن شرکت دارند مانند سوخت‌های فسیلی نفت و گاز.

در عصر صفوی، دو معدن دیگر یکی در «سار» کرمان و دیگری در بلخ «خراسان» وجود داشت (۵). معدن «سار»، همان معدنی است که امروزه در ارتفاعات شمال غرب جیرفت در منطقه‌ای به نام «ساردوئیه» و «بحر آسمان» واقع و فعال است (۲۴).

«چریکف»^۲ نیز در دوره قاجار، از وجود معادن مومیایی در کوه «پارین پریز» در دو فرسخی منطقه «علی کیجان» واقع در مسیر هلیان به دزفول و نیز «نزدیک شیراز» خبر داده (۲۵) که معدن اخیر، به احتمال، معدن اَرّجان یا دارابگرد است.

در برخی منابع، همچنین از معدنی در حومه شهر لار (۲۶) و جهرم در فارس (۱۸) نام برده شده که به علت نزدیکی آنها به دارابگرد، به احتمال زیاد همان معدن است که منتسب به شهرهای دیگر شده است.

«لابارد»^۳ نیز از محلی به نام «چشمه نفت» نزدیک شوشتر به عنوان معدن مومیایی نام می‌برد (۲۷) که به سبب نزدیکی شوشتر به دزفول، به یقین همان معدن «علی کیجان» است. در این مکان همانند قرن‌های گذشته، ساختمان کوچکی احداث شده بود و چند تفنگچی از طرف محمدتقی‌خان بختیاری، از آن حفاظت می‌کردند (۱۸ و ۲۷). «پولاک»^۴ هم با نام بردن از گیلان (۱۶) این منطقه را هم دارای معدن مومیایی می‌داند.

در منابع متأخر، کوههای کهگیلویه و اصطهبانات (۱۰) و کوههای بافت، از جمله کوه «خَبَر» نیز به این فهرست افزوده شده است. در شکاف این کوهها جایی که حیوانات به آن دسترسی ندارند، مومیا یافت شده؛ زیرا بیشتر حیوانات از جمله بز کوهی علاقه وافری به خوردن آن دارند (۱۳).

همدانی، جغرافیدان قرن سوم هجری است که از وجود یک معدن مومیایی در غاری در اَرّجان فارس (بهبهان کنونی) خبر می‌دهد. از این غار، به علت تعلق آن به سلطان به شدت محافظت می‌شد و در دهانه آن، دری آهنی وجود داشت که سالی یک بار، آن هم با حضور بزرگان شهر باز و پس از جمع‌آوری مومیایی، مجدداً قفل می‌شد (۹).

فعالیت این معدن تا دوره قاجار نیز استمرار داشت (۱۹) و محل دقیق آن، نزدیک تنگ «تکاب» حوالی آبادی «پشکر» در روستای «نابی‌ده» و در ارتفاع زیاد کوه واقع شده بود (۷) که اکنون جزو منطقه «خائیز» شهرستان بهبهان و هنوز فعال است (۶).

گزارش‌های قرن چهارم هجری، همچنین حاکی از وجود معدن مومیایی دیگری در دارابگرد فارس است که به «گنبد مومیا» معروف بود (۲۰). این گنبد نیز دری آهنین داشت و مردی از آن نگاهیانی می‌کرد. این ماده، معروف‌ترین محصول این شهر بود و از غاری صخره‌ای چه در داخل شهر (۱۵) و چه کوههای مجاور آن به دست می‌آمد (۲۱).

«کاری»^۱ سیاح ایتالیایی که در سال ۱۶۹۴م به ایران سفر کرده، می‌گوید که معدن دارابگرد در آن زمان نیز دایر بوده است. وی از کوهستان داراب و دهکده‌ای به نام «بنارو» یا «بنارویه» خبر می‌دهد که معدن مومیا در آنجا واقع است (۲۲).

این رُسته، جغرافیدان اصفهانی قرن چهارم هجری، از وجود معدن مومیا در کوههای اطراف اصفهان به ویژه در ناحیه فریدین خبر می‌دهد و مدعی است که از مومیایی فارس، بهتر و نفع آن بیشتر است (۲۳). مقدسی دیگر همکار او نیز به وجود معدن مومیا در ناحیه جبال (بخشی از مرکز و غرب ایران) اشاره دارد (۱۵) که به نظر می‌رسد همان ناحیه فریدین باشد.

۲. Chirikov

۳. Henry Layard

۴. Jakob Eduard Polak

۱. Gemelli Careri

قاضی، مهر و موم کرده، با گروهی از پیران به شیراز می‌فرستند و جایگاه آن را شستشو می‌کنند» (۱۵ و ۲۰) در دوره صفویه نیز، گزارش‌ها حکایت از استمرار همین شیوه با اندکی تغییر است: «صخره‌هایی که از آن مومیایی می‌تراود، همه از آن شاهنشاه است و هرچه مومیایی از آنها بیرون آید، متعلق به اوست. این صخره‌ها را همیشه پنج نفر از پزشکان عالی‌مقام منسوب به دربار، مهر و موم می‌کنند و هر سال فقط یکبار در حضور آنان و گروهی دیگر از مأموران، مهر آن را می‌شکنند و هرچه از این ماده ارزشمند فراهم آمده است، قسمت بیشتر را برمی‌دارند و به خزانه پادشاه منتقل می‌کنند، و به هنگام لزوم از آن برمی‌گیرند» (۵).

براساس گزارش «دروویل»^۳، همین شیوه در دوره قاجار نیز، رایج بوده که نشان می‌دهد، برآمدن سلسله‌ها و حکومت‌ها در نحوه اجرای آن تغییری ایجاد نکرده است: «مومیا از شکاف تخته‌سنگی در حوالی شیراز کم‌کم خارج می‌شود استفاده از این منحصرأ به پادشاه اختصاص دارد و برای حفاظت از این تخته‌سنگ، آن را محصور نموده، نگهبانی‌اش را به عهده اشخاص مطمئن سپرده‌اند. جمع‌آوری مومیا در حضور مقامات رسمی به عمل می‌آید که آن را در جعبه‌های نقره می‌ریزند و پس از مهر و موم برای شاه می‌فرستند. با این حال گاهی اوقات، اما به ندرت، پادشاه مقدار کمی از آن را به اشخاصی که به آن‌ها التفات خاصی دارد، می‌بخشد» (۳۰).

امروز افراد آشنا به این کار، سنگ‌های حاوی مومیایی را قدری سوراخ و در اطراف آنها مقدار زیادی هیزم جمع می‌کنند و آتش می‌زنند. بر اثر حرارت، مقداری مومیا از سوراخ سنگ‌ها خارج می‌شود که آن را جمع‌آوری و با مقداری روغن حیوانی و گلبرگ گل سرخ، مخلوط و به بازار عرضه می‌کنند.

اما افراد ناشنا، این ماده دارویی را با قیری که همراه ترکیبات نفت از اعماق زمین بیرون می‌آید و پس از تصعید مواد فرآر، بر زمین می‌ماند، اشتباه می‌گیرند یا گاهی سودجویان و شیادان،

میزان خروج مومیا از درز سنگ‌ها خیلی کم ارزیابی شده است. به طور مثال، میزان کل استخراج آن از کوه‌های داراب در مدت یک سال، حدود دویست مثقال (۹۲۱/۶ گرم) برآورد شده که بعضی سال‌ها بیشتر و گاهی نیز کمتر می‌شود (۱۰).

۳. استخراج مومیا

جمع‌آوری و استخراج مومیا از معدن در قرن‌های گذشته، سالی یکبار و با حضور معتمدان حکومت برگزار و مومیایی حاصل برای شاه فرستاده می‌شد. این کار، نظامات سختگیرانه‌ای داشت و بر روند آن نظارت می‌شد.

این فقیه درباره شیوه استخراج این ماده از غار ارجان می‌نویسد: «در دهانه غار، دری آهنین هشته‌اند که سال تا سال، تنها یک روز، در پیش بزرگان و نیکان شهر گشوده شود. آنگاه مردی جامه بیرون کند و به درون رود، و هرچه انباشته گشته است، در شیشه‌ای جمع کند - همه آنچه در سال انباشته شود، کم و بیش صد مثقال است، و کمتر بر این اندازه فزونی یابد - پس از آن، در غار را ببندند و کلید کنند تا سال دیگر همان هنگام. آن شیشه را از آن پس که قاضی و والی سر آن را بستند و مهر کردند، نزدیک سلطان فرستند» (۹). به نظر می‌رسد، علت برهنه شدن کسی که به داخل غار می‌رفت، این بود که به سبب گرانبها بودن مومیا، چیزی از آن را در میان لباس خود پنهان نکنند.

این شیوه در غار دارابگرد، هم رایج بود و سالی یک بار در غار را باز می‌کردند و با حضور معتمدان شاه، مقدار مومیایی جمع‌شده را که به اندازه اناری بود، برمی‌داشتند (۲۸-۲۹). مقدسی در این باره گزارش می‌دهد: «کان مومیا دری آهنین دارد که مردی از آن نگهبانی می‌کند و چون مه‌ماه آید، آن نگهبان با قاضی شهر و صاحب برید^۱ و چند عادل برآیند و با کلید، در را باز کنند. مردی برهنه به درون شده، آنچه در سال گرد آمده است، بر می‌دارد. من از درستکاران شنیدم که فرآورده سال، کمتر از یک رطل^۲ است. سپس آن را بسته،

۱. مامور پست و اطلاع‌رسانی شهر

۲. واحدی در وزن قدیم مساوی ۸۴ مثقال. معادل ۳۸۷ گرم (معین)

۳. Gaspard Drouville

که در اثر سرما به وجود می‌آید و برای تب چهارروزه مزمن ناشی از بلغم و برای دردهای جراحات چرکین بدحالت و ناسوری که ترشحات آن بیرون می‌زند و پزشکان از درمان آن عاجز شده‌اند و همچنین برای بیماری کجی دهان و شکستگی استخوان و صرع و سرگیجه و گلودردهای ناشی از سرما و باد و نفخ‌های معده و باد برآمده از معده و صدمه معده و کبد و کثرت جماع و برای کسی که تیرخورده و یا زخمی در نزدیکی یکی از اعضای اصلی بدن ایجاد شده باشد و برای تازیانه خورده و یا کسی که با چوب کتک خورده باشد و همچنین برای بیرون راندن سنگ از مثانه و کلیه و تسکین درد آن به یاری مشیت الهی مفید خواهد بود» (۳۳).

گزارشی از یک کتاب طبی مربوط به عصر قاجار نیز در دست است که در آن، خواص زیر برای مومیا برشمرده شده است: «مقوی قلب و برانگیزنده شهوت است، غده‌های سرد را متلاشی و اعضا را تقویت می‌کند، اندام‌های داخلی و خارجی را به هیجان می‌آورد، رطوبت را تقلیل می‌دهد و نشاط و سرزندگی را ثابت نگاه می‌دارد. زود جذب می‌شود و در درمان سکسکه، فلج، لَقوه، دل درد، صرع، خون قی کردن، اوایل جذام و داءالفیل، گزیدگی عقرب و سایر مسمومیت‌ها مورد استعمال دارد. مرهم مومیایی، شکستگی پا، پیچ‌خوردگی، دررفتگی، پی‌ها و عضلات دریده را علاج می‌کند. هیچ دارویی از این نظر با آن برابر نیست و غیره» (۱۷).

تصورات معجزگونه و شگفت‌انگیز برای مومیا باعث شده بود که این ماده، ارزش فراوانی در میان مردم ایران در طول تاریخ پیدا کند، چون بر این اساس هیچ بیماری‌ای نبود که با مومیا قابل درمان نباشد.

این غلّو باعث شد برخی غربی‌ها به‌ویژه اطبا، در منافع درمانی مومیا تردید کنند. از جمله گُرنز^۲ معتقد بود که براساس قوانین علمی، خواص طبی مومیا مشخص نیست و باید در این خواص تأمل کرد (۱۹). پولاک، استاد طب جدید دارالفنون نیز

قیر به دست آمده از شکاف زمین را با مقداری روغن گُل، مخلوط و به جای مومیا می‌فروشند (۱۰).

برای استخراج مومیا در بهبهان نیز، سنگ‌های جمع‌آوری شده از کوه را در ظرفی می‌گذارند و حرارت می‌دهند تا مومیایی موجود در آنها خارج شود. گاهی در فصل گرما این ماده خود به خود به صورت قطره از شکاف کوه خارج می‌شود (۶).

۴. مومیایی و کاربرد درمانی

مومیا در ایران از قدیم برای درمان بسیاری از امراض تجویز می‌شد، زیرا هم‌زمان «قوت قیر و زُفت^۱» داشت و «بسیار منفعت‌رسان» بود (۳۱) و اطبا به ویژه آن را برای افراد لاغر یا استخوان شکسته تجویز می‌کردند (۳۲).

اهمیت مومیا در طب ایرانی به حدی است که رازی، طبیب مشهور اختصاصاً رساله‌ای درباره مومیایی و کاربردهای درمانی مختلف آن نوشته است. وی در این رساله، مومیایی را در درمان تقریباً جمیع امراض مفید می‌داند و می‌نویسد: «مومیایی گرم و لطیف و نافذ و بازکننده رگ‌ها و جلادهنده معده و مقوی روح و برطرف‌کننده بادهاست. اما فوایدی که اطبای فارس برای آن ذکر کرده و همگی بر آن اجماع دارند، این است که می‌گویند: این دارو برای سردرد ناشی از بلغم و سودای فاسد و خفقان و گوش درد و ناشنوایی و خنّاق و زخم‌ها و بدبویی دهان و تنگی نفس ناشی از سرما و درد طحال و زخم‌های آن و برای بادهای بواسیر و دردهای مقعد و تورم آن و استسقا و در حالت آغاز بیماری جذام و برص و داءالفیل و درد ناشی از سرما و سوء هضم و نیش عقرب و مار و برای کسی که سم نوشیده و برای مبتلایان به لرزش و رعشه دست و پا که معمولاً در افراد کهنسال دیده می‌شود و برای خواب ناشی از سرما و همچنین برای بیماری اُمّ صَبیان ناشی از سرما و همچنین برای اختناق رحم و سایر بیماری‌های زنان

۱. نوعی قیر سیاه و چسبنده که از درخت صنوبر حاصل شود و بر سر کچلان چسبانند. (دهخدا)

۲. George Curzon

صورت در رفتن اعضا نیز پس از جانداختن مفصل، مصرف مومیایی را موجب بهبود سریع مصدوم می‌دانستند (۱۰).

البته چنان‌که گفته شد، مومیایی به علت گرانبها بودن، در دسترس همه نبود و صرفاً ثروتمندان از آن استفاده می‌کردند. به‌طورمثال در دوره قاجار، شکسته‌بندان در صورت تشخیص شکستگی (که اکثر اوقات همین تشخیص را می‌دادند)، عضو را از اطراف می‌کشیدند سپس روی آن، مقادیر زیادی زرده تخم‌مرغ می‌گذاشتند ولی اگر بیمار ثروتمند بود، به جای زرده تخم‌مرغ از مومیایی استفاده می‌شد (۱۶). برخی نیز گفته‌اند اگر پیچ‌خوردگی یا کوفتگی مختصر روی می‌داد، از زرده تخم‌مرغ و در صورت شکستگی از مومیایی استفاده می‌شد (۱۸). بر این پایه، برای طبقات فرودست حتی در صورت شکستگی، کمتر مومیایی به کار می‌رفت.

استفاده از مومیایی به این منظور در محدوده فرهنگی ایران نیز رواج داشت. در عصر قاجار و پس از قرارداد آخال، مردم ترکستان و ماوراءالنهر به طبای روسی مراجعه نمی‌کردند و بیمارانشان را خودمداوا می‌کردند از جمله اعضای شکسته که با مومیا معالجه می‌شد (۱۱).

تجویز خوردن یا مالیدن مومیا برای درمان شکستگی استخوان یا کوفتگی، در عین سادگی از تنوع زیادی برخوردار بود. به‌طورمثال، در قرن سوم به اندازه یک عدس از مومیایی را با آب می‌خوردند (۹). بعدها مومیا را در روغن، حل می‌کردند و ماده نرم و خمیری شکلی به دست می‌آوردند. سپس این ماده در نقاط ضربه‌دیده روی پوست هنگام شکستگی اعضا، بیرون رفتن مفاصل، کوفتگی و پاره شدن عصب و عضله مالیده می‌شد. در دوره قاجار، گاهی به اندازه یک نخود مومیا را با همان مقدار کره ذوب‌شده، روی استخوان شکسته می‌گذاشتند و بعد با چوب، آن محل را می‌بستند تا استخوان جوش بخورد (۲۶). یا آن را در روغن زیتون حل می‌کردند و بر عضو شکسته یا آسیب‌دیده می‌مالیدند (۲۵). گاهی نیز به جای کره و روغن زیتون از چربی گداخته شده گوسفند استفاده می‌شد (۱۸). یا

اعتقاد داشت هیچ‌یک از خواصی که طب ایرانی برای مومیا برمی‌شمرد، تأیید نشده است (۱۶). یا شلیمر^۱ پزشک اروپایی مقیم ایران مدعی شد با وجود تلاش‌های زیاد، هرگز نتوانسته است آثار درمانی شگفت‌انگیز مومیایی را معلوم کند (۱۸). در مقابل، اما کسانی هم بودند که این خواص را نه‌تنها تأیید، بلکه «تجربه» کرده بودند. از جمله «دبُذ» که اثر مومیایی ایرانی را با گذاشتن آن بر بخش کبودشدگی ناشی از افتادگی از پرتگاهی صخره‌ای تجربه کرده است: «یک تکه از ماده سیاه سختی را با چربی گداخته‌شده گوسفند مخلوط می‌کنند و در حالی که گرم است، بخش کبودشده بدن را خوب با آن مالش می‌دهند» (۷).

۱-۴. شکستگی‌ها و کوفتگی‌ها

مهم‌ترین کاربرد مومیا از قدیم، استفاده از آن در درمان شکستگیها و کوفتگیها بوده است. گزارشی از کاربرد مومیا برای درمان شکستگی استخوان در قرن سوم هجری در دست است (۹) که به احتمال زیاد، قدیمی‌ترین گزارش در این زمینه به شمار می‌رود.

ابن سینا، نیز خوردن یا مالیدن مومیا را «مسکن در برکنندگی و شکست و افتادن و ضربت خوردن و فلج و دهن‌کجی» توصیف کرده (۳۱) و می‌نویسد: «از پیشامد هر رویداد بد و ناپسندی که به دنبال شکست و بست آید، باید جلوگیری کنی یا اگر روی داد، آن را علاج کنی. داروی شگفت‌آور مومیاست و بس. مومیا را تناول کنند» (۳۱).

همچنین در عصر صفوی این اعتقاد وجود داشت که هر نوع شکستگی یا ضرب‌دیدگی و کوفتگی با نیم درهم مومیایی در مدت یک شبانه روز بهبود می‌یابد (۵).

هنگام شکستگی استخوان‌ها، توصیه می‌شد استخوان را به‌طور طبیعی میزان کنند و قبل از بستن، مقداری مومیایی بر آن بمالند و قدری هم به مریض بخوراند تا شکستگی جوش بخورد. در

۱. Schlimmer

این رویه تا امروز کم‌وبیش رایج بوده؛ چنان‌که یک تحقیق میدانی جدید در بهبهان نشان داده سالمندان این شهر هنوز از مومیایی برای درمان انواع شکستگی‌ها و کوفتگی‌ها استفاده می‌کنند؛ هرچند میزان استفاده از آن، در گذشته بیشتر بوده است (۶).

۲-۴. زخم‌ها

مومیایی در درمان زخم‌ها نیز به کار می‌رفت و سابقه کاربرد آن را در قرن سوم هجری می‌توان یافت. شیوه استفاده از این ماده، برای بهبود شکستگی‌ها و زخم‌ها یکسان بود: «چون به اندازه عدسی از آن با آب بیاشامند، در دم، جایی را که شکستگی دیده یا آسیب رسیده است، بهبود بخشد و گوشت رویاند» (۹). این روند در طول زمان، به تدریج از خوردن به ضماد کردن یا مالیدن مومیا بر موضع زخم تغییر کرد. چنان‌که در دوره قاجار به اندازه یک نخود مومیا را با همان اندازه کره ذوب‌شده، روی زخم می‌مالیدند و سپس روی آن، پارچه می‌بستند (۲۶).

این شیوه درمانی هنوز در برخی مناطق ایران رواج دارد. به‌عنوان مثال در جیرفت برای درمان زخم و التهاب مفاصل، معمولاً مومیا را در آب جوش حل می‌کنند و به موضع مورد نظر می‌مالند (۲۴). در شهرستان بافت نیز این کار رایج است و بومیان این شهر به‌خصوص عشایر منطقه و نیز عشایر سیرجان، رابر، جیرفت و برخی شهرهای استان فارس به آثار مفید مومیایی در التیام زخم‌ها اذعان دارند (۱۳). همچنین سالمندان بهبهان از این ماده به منظور بهبود چرک زخم‌ها و دمل‌ها استفاده می‌کنند (۶).

تحقیقات متعدد پزشکی جدید، تأثیر درمانی مومیا بر درمان زخم‌ها را اثبات کرده است (۱۳، ۲۴ و ۴۲). بنابراین می‌توان مدعای پیشینیان را در این باره مقرون به صحت دانست.

۳-۴. سایر بیماری‌ها

از جمله موارد تجویز مومیا در قرن‌های گذشته، برای تقویت قوه باه یا نیروی جنسی است. توصیه می‌شد افراد مبتلا به ضعف قدرت تناسلی به قدر دو جو مومیایی را در ۴۰ گرم عسل حل و

در ماوراءالنهر، مومیا را در شیر می‌جوشانیدند و به بیمار می‌خوراندند (۱۱).

در موارد ضربه یا کوفتگی اندام‌ها نیز از مومیا استفاده می‌شد. به‌طورمثال، هنگام ضربه به قفسه سینه یا کبد و دنده‌ها، برای رفع کوفتگی، مقداری مومیا را به صورت ضماد و مقداری را نیز با آب رازیانه و زیره به صورت خوراکی تجویز می‌کردند (۱۰).

امروزه نیز مومیایی طبیعی در اغلب نقاط ایران به صورت خوراکی استفاده می‌شود، در حالی که در تحقیقات جدید توصیه شده است مومیایی طبیعی را که از کوه‌ها به دست می‌آید، نخورند چون به علت آلودگی‌های قارچی، میکروبی و فلزات سنگین مانند سرب ممکن است موجب بیماری‌هایی مانند نارسایی کلیوی شود (۱۴).

کاربرد مومیا در موارد یادشده، از نظر درمانی بی‌تأثیر نبود و پژوهش‌های جدید نیز این موضوع را ثابت کرده است (۳۴) حتی تحقیقی که به تازگی در دانشگاه علوم پزشکی ایلام انجام شد، ثابت کرد که مومیایی تأثیر قابل توجهی بر بازسازی استخوان دارد و افرادی که در معرض پوکی استخوان هستند، می‌توانند از این ماده به عنوان جایگزین داروهای شیمیایی استفاده کنند (۳۵).

ولی موضوع این بود که غالباً درباره خاصیت مومیا در این زمینه بسیار غلو می‌شد. مثلاً یک ایرانی به هالینگبری^۱ سیاح انگلیسی، گفت این ماده را روی پای شکسته خروسی آزمایش کرده و یک شبانه روز بعد پای خروس التیام یافته است (۱۶) و (۲۶). همچنین در وصف مومیایی اصل گفته می‌شد که اگر پای شکسته مرغی را با آن ضماد کنیم و ببندیم و قدری نیز از آن به مرغ بخورانیم ۴۸ ساعته پایش بهبود می‌یابد و هر قدر که مومیایی ناخالص‌تر یا نامرغوب‌تر باشد، زمان بهبودی بیشتر می‌شود (۱۰). استفاده ایرانیان از مومیایی در درمان شکستگی‌ها، کوفتگی‌ها، درد مفاصل و زخم‌ها در گزارش‌های اکثر سیاحان نیز دیده می‌شود (۷، ۱۶، ۱۹ و ۲۷).

۱. William Hollingbery

معدی و بواسیر نیز مومیا تجویز می‌شد (۱۰) و بختیاری‌ها زمانی که دچار دردهای سوءهاضمه می‌شدند، مومیا می‌خوردند (۱۸). خوردن آن همچنین برای سنگینی زبان (۱۰ و ۳۱)، درمان مسمومیت (۳۱) و نیز درمان ترک مقعد توصیه می‌شد (۳۱). این ماده برای رفع ناراحتی‌های رطوبی رحم و حتی علاج سکتی نیز توصیه شده است (۱۰).

این درمان‌ها در طب سنتی رایج بوده و وظیفه پژوهشگران علوم پزشکی است که از طریق آزمایش‌های *in vitro* (برون تنی) یا *in vivo* (درون تنی) این توصیه‌ها را در بوته آزمون بگذارند تا ضمن اثبات آن‌ها، توانمندی طب سنتی ایران را در درمان بیماری‌های مختلف به منصفه ظهور برسانند. چنان‌که به تازگی تأثیر ضد سرطانی مومیایی در سرطان پستان (به صورت *in vitro*) اثبات شده و اینکه این ماده می‌تواند رشد برخی رده‌های سلولی را در این بیماری مهار کند (۳۸).

۵. مومیایی و اعتقادات عامیانه

درباره مومیایی و کاربردهای پرشمار و شگفت‌انگیز آن، باورها و اعتقادات گوناگونی رواج داشت. به عنوان مثال برخی اطبا از جمله رازی، بر این باور بودند که کشف مومیا به دست ایرانیان و در دوره پادشاهی فریدون پیشدادی در دارابگرد صورت گرفته است: «در ایام افریدون، جمعی متوجه شکار شدند در قریه‌ای از مضافات شیراز که آن قریه دارابگرد است نام آن رایان، در آن صحرا پس گوسفند کوهی را تیر زدند و گوسفند از نظرشان غایب شد و بعد از آن، یک هفته در کوه قریه مذکور آن را یافتند تیر بر او آویخته بود. تیر را از بدن او برآوردند و موضع تیر را ملاحظه نمودند. مومیایی در آن موضع تیر یافتند که آن جراحت را چسبیده و به التیام آورده و به سبب آن، موضع تیر خوب شده و آزاری نداشت. پس این خبر به ملک افریدون رسانیدند و او حکم کرد که کسی بی‌رخصت [مومیا را] بر ندارد و تا حکم پادشاه نشود، به کس ندهند و همه به سر کار ضبط کنند و اطبا و فلاسفه عصر را همه جمع

میل کنند و سه روز به این کار ادامه دهند تا بهبود یابند. افراد گرم‌مزاج نیز باید مومیایی را با مقداری آب میوه‌های سردمزاج میل می‌کردند (۱۰). گفته شده فتحعلی‌شاه نیز از این ماده برای تحریک قوای جنسی استفاده می‌کرده است (۳۰).

در قرن چهارم، مومیا همچنین برای درمان عقرب‌گزیدگی استفاده و گفته می‌شد یک قیراط از آن، با روغن گاوی، درد نیش عقرب را مداوا می‌کند (۳۱). این شیوه نیز در دوره قاجار نیز رایج بود (۱۶).

از دیگر موارد تجویز مومیا، کاربرد آن برای درمان انواع سردرد بود. مثلاً برای تسکین سردرد، صرع و سرگیجه توصیه می‌شد یک حبه مومیا را با آب مرزنگوش به بینی بکشند و عطسه کنند (۳۱).

خوردن این ماده معدنی همچنین برای قطع خونریزی‌های داخلی مانند خونریزی از معده، اثناعشر یا شش‌ها توصیه می‌شد (۱۰). به منظور تسکین گوش‌درد نیز یک حبه مومیا با حیوه تجویز می‌شد و برای قطع شدن چرک گوش باید فتیله‌ای را با مومیا و روغن گل و آبغوره، خیس و در گوش فرو می‌کردند (۳۱). هنگام مداوای لقوه و سستی اعضای بدن دو مثقال آویشن را می‌جوشانند و آب صاف‌شده آن را با دو حبه مومیایی می‌خورند (۱۰).

مومیا برای درمان بیماری‌های تنفسی مانند خنّاق هم کاربرد داشت (۳۱). همچنین برای مداوای سرفه‌های رطوبی مزمن، بیمار باید مقداری از مومیا را با آبی که در آن عنّاب و سپستان جوشیده بود، سه روز مصرف می‌کرد (۱۰). مومیا حتی برای درمان بیماری‌های دستگاه ادراری هم تجویز می‌شد (۳۱ و ۳۶). این ماده معدنی در مداوای برخی بیماری‌های گوارشی کاربرد داشت (۳۱) و گزارش‌های جدید، تأثیر مثبت آن را در این زمینه تأیید کرده است (۳۷).

به عنوان مثال، هنگام صدمه دیدن کبد، برای رفع خون مرده، بهترین دارو، مرهم ساخته‌شده از مومیا و روغن رازقی بود که باید بر ناحیه کبد بیمار مالیده می‌شد (۳۶). برای درمان نفخ شکم و ضعف معده و روده‌ها، درد معده یا ناراحتی‌های دیگر

مومیایی در همه دوره‌های تاریخی بسیار گرانبها و ارزشمند بود و نزد پادشاهان و بزرگان جایگاه والایی داشت. مومیایی فارس و به‌ویژه دارابگرد از این نظر شهره بود. چنان‌که رازی می‌نویسد: «مومیایی در نقاط مختلفی از سرزمین فارس و دیگر نواحی وجود دارد؛ اما تمام آنها از نظر قدرت و تأثیر به پای مومیایی کوهستان دارابگرد نمی‌رسند» (۳۳). ارزش اقتصادی این ماده به حدی بود که در قرون میانه تاریخ ایران (به‌ویژه در قرن چهارم هجری)، علاوه بر آنکه معروف‌ترین محصول دارابگرد بود و گرانبهاترین بخش خراج این شهر به والی فارس را تشکیل می‌داد (۴۰)، جزء کالاهای صادراتی دارابگرد به نقاط مختلف جهان به شمار می‌رفت (۴).

این وضع همچنان تا دوران صفویه ادامه داشت و سالانه مقادیری از مومیایی این ناحیه به عربستان و اروپا صادر می‌شد (۲۲). چنین برمی‌آید که نوعی مومیایی هم در سواحل دریای مغرب (احتمالاً دریای مدیترانه یا اقیانوس اطلس) حاصل می‌شد که در دوره صفویه در ایران شناخته شده بود، ولی به مرغوبیت مومیایی فارس نبود (۲).

مومیایی ایرانی همچنین به علت کیفیت بالا و گرانبها بودن، به عنوان هدیه‌ای ارزشمند به پادشاهان و نیز فرستادگان کشورهای خارجی اهدا می‌شد. چنان‌که شاه‌سلطان حسین صفوی، مقداری مومیا را در جعبه نقره به «میشل»، فرستاده لویی چهاردهم به دربار ایران اهدا کرد (۴۱). فتحعلی‌شاه نیز این ماده را به عنوان هدیه برای بزرگان و شاهان می‌فرستاد (۳۰).

در عصر قاجار نیز مومیایی ایران در جهان به مرغوبیت بسیار، مشهور و بهترین نوع آن متعلق به دارابگرد بود (۱۶). و مردم آن را به قیمت طلا، خرید و فروش و یا در میان ظرف نقره نگهداری و «مانند چشم خود» از آن محافظت می‌کردند (۲۵).

نمودند که متوجه امتحان شوند. حکیمان مومیایی را به تجربه درآوردند و در جراحات و استخوان‌های شکسته استعمال نمودند و او را در غایت اثر یافتند» (۳۳).

علاوه بر شاهان اساطیری، برخی نیز کشف مومیا را به علت خواص معجزآمیز آن به پیامبران نسبت داده‌اند. از جمله این اعتقاد وجود داشت که حضرت سلیمان (ع) این ماده را از کوه «پارس» پدید آورد و هرگاه استخوان جنینده‌ای می‌شکست، از آن به او می‌داد تا بخورد و بهتر شود (۳۹). اشاره به کوه پارس در این باور، حاکی از شهرت مومیایی سرزمین فارس به‌ویژه دارابگرد است.

یا در دوره صفویه این اعتقاد رواج داشت که حضرت دانیال (ع) طرز استخراج و به کار بردن مومیایی را به ایرانیان آموخته است (۵). در عصر قاجار هم این باور عمومی رایج بود که: «مومیایی خواص خیلی بزرگی دارد، حتی اینکه اگر اصل او هم نباشد، باز خاصیت خواهد بخشید هرکس در نزد خود مومیایی داشته باشد، هیچ‌وقت از اسب زمین نمی‌خورد و هرگاه بخورد [هیچ] جای او نمی‌شکند. مومیایی فوراً التیام‌دهنده استخوان آدم و حیوان است، درد دندان را ساکت می‌نماید و هر ناخوشی هم که باشد، نجات می‌یابد» (۲۵).

در این دوره، حتی ایرانیان ثروتمند همیشه چند حَبّ مومیایی با خود داشتند تا هر وقت دچار وحشت شدید یا بیهوشی و خون‌رفتگی شدند، حَبّی از آن بخورند و یا اگر دست و پایشان شکست یا دچار کوفتگی شدند، قسمت‌های شکسته را با آن بمالند، چون معتقد بودند مومیایی قدرت ایجاد سریع غضروف را دارد (۱۶). درباره کاربرد آن در زمان ترس و وحشت در عصر حاضر، نگارنده شاهد بوده است که در گیلان، مقداری از مومیایی را به کسی که ترسیده بود و اضطراب شدید داشت، می‌خوراندند تا ترسش بریزد و آرام شود.

۷. مومیایی در ادبیات

۶. مومیایی و اقتصاد

به مومیایی لطف توام نشانی داد»
عبیدزاکانی، شاعر قرن هشتم:
«اگر صد رهت بشکند روزگار
مکن از خسان، مومیایی طلب»
صائب تبریزی، شاعر قرن یازدهم:
«کند با سخت رویان، چرب نرمی بیشتر دوران
بود با استخوان پیوند دیگر، مومیایی را»
فروغی بسطامی، شاعر قرن سیزدهم:
«پس از شکستن دل، کام دادی ام آری
به تندرست نباید که مومیایی داد»
و پروین اعتصامی، شاعر معاصر:
«دهم آزدگان را مومیایی
شوم در تیرگی‌ها روشنایی»
چنان‌که روشن است، می‌توان از اشعار شاعران قرن‌های
مختلف پی برد که بیشترین استفاده مردم از «مومیایی» برای
درمان شکستگی‌ها و کوفتگی‌ها بوده که خود، نشانه رواج
فراوان این شیوه درمانی است.

نتیجه‌گیری

در طب ریشه‌دار ایرانی، علاوه بر گیاهان دارویی همواره از مواد
معدنی نیز برای درمان بیماری‌های مختلف استفاده می‌شد که
از جمله مهم‌ترین و مشهورترین آنها مومیاست.
«مومیا» یا «مومیایی»، واژه‌ای ایرانی برای نوعی ماده معدنی
هیدروکربوری محلول در آب یا چربی حاوی دو اسید مهم
هیومیک اسید و فولویک اسید است که از قرن‌های سوم و
چهارم هجری در برخی معادن ایران به‌ویژه دارابگرد استحصال
می‌شد. این ماده دارویی بسیار گرانبها تلقی می‌شد و همواره
متعلق به سلطان وقت و حتی در برهه‌هایی جزء محصولات
صادراتی ایران بوده است. مومیا در ایران، از دیرباز برای درمان
طیف وسیعی از انواع بیماری‌های جسمی و روانی به کار
می‌رفت؛ ولی عمده‌ترین کاربرد آن، در درمان شکستگی و

ادبیات و شعر همواره بازتاب گوشه‌هایی از زندگی اجتماعی
مردم در اعصار مختلف است و می‌توان از آن نکات خوبی در
این زمینه دریافت کرد. از جمله این موارد، نحوه درمان
بیماری‌ها و کاربرد داروهای مختلف است و مومیا نیز در اشعار
شاعران قرن‌های مختلف بازتاب زیادی دارد.
به طور مثال:
اسدی طوسی، شاعر قرن پنجم می‌سراید:
«دل تیره را روشنایی، می است
که را کوفت غم، مومیایی می است»
(اشاره به رفع عوارض کوفتگی با مومیایی)
در اشعار زیر هم مشخصاً به تأثیر مومیایی در درمان شکستگی
استخوان اشاره شده و با کلماتی مشتق از «شکستن» یا
«استخوان»، آرایه ادبی «مراعات نظیر» را ایجاد کرده است:
مسعود سعد سلمان، شاعر قرن‌های پنجم و ششم:
«نکو گردد این پشت بشکسته، آنگه
که از جود تو باشدش مومیایی»
انوری، شاعر قرن ششم:
مرا از شکستن، چنان درد ناید
که از ناکسان خواستن مومیایی»
نظامی، شاعر قرن ششم:
«فلک تا نشکند پشت دوتایی
به کس ندهد یکی جو مومیایی»
خاقانی، شاعر قرن ششم:
«گر حوادث پشت امیدت شکست، اندیشه نیست
مومیایی هست مدح صاحب صاحبقران»
اوحدی، شاعر قرن هشتم:
«داروی درد خستگان بـودن
مومیای شکستگان بـودن»
حافظ، شاعر قرن هشتم:
«شکسته وار به درگاهت آمدم که طیب

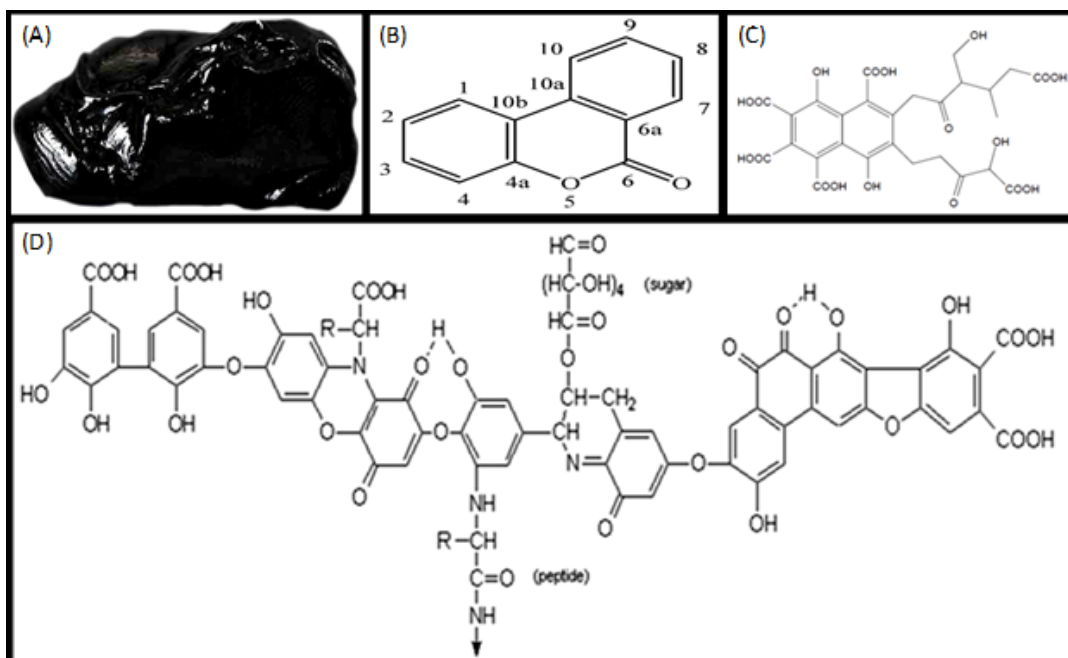
کوفتگی استخوان‌ها و نیز زخم‌ها بود که در آثار شاعران قرن‌های مختلف نیز به همین وجهه مشهور شده است. پژوهش‌های امروزی، تأثیر مفید مومیا بر درمان شکستگی‌ها و زخم‌ها را تا حدودی تأیید می‌کند، چنان‌که این کار هنوز در نقاطی از ایران رواج دارد. همچنین از تأثیر مثبت آن بر درمان برخی بیماری‌های گوارشی، جلوگیری از پوکی استخوان و نیز تأثیر بر سلول‌های سرطان پستان (البته در محیط آزمایشگاهی) گزارش‌هایی در دست است. بنابراین امروزه می‌توان برای پرهیز از مصرف داروهای شیمیایی در این موارد که بعضاً آثار سوئی بر بدن دارد، با تجویز متخصصان از این ماده طبیعی مفید بهره برد.

همچنین تصورات از قدرت درمانی معجزه‌آسای مومیا باعث شده که در طول تاریخ، باورهای عامیانه‌ای درباره آن شکل بگیرد که در حوزه فرهنگ مردم قابل بررسی است و صادرات آن به اروپا در قرن‌های گذشته نیز در حوزه تاریخ اقتصادی ایران قابل ارزیابی است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت هرچند مومیا برخی خواص دارویی دارد، ولی درباره آن در قدیم بسیار غلو شده است. درباره بقیه بیماری‌هایی نیز که ادعای درمان آنها با این ماده وجود دارد، هنوز تحقیقاتی انجام نشده و این انتظار از پژوهشگران علوم پزشکی وجود دارد که با انجام آزمایش‌های علمی دقیق، صحت و سقم آنها را روشن کنند.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی برای نویسندگان وجود ندارد.



شکل ۱. (A) تکه‌ای از مومیایی خالص ایرانی و ساختار مولکولی سه ترکیب مهم مومیایی شامل:
humic acid (D) و *Fulvic acid* (C). *Dibenzo-alpha pyrenes* (B)

References

1. Barouji R, Saber A, Torbati M, Fazljou SM, Khosroushahi AY. Health Beneficial Effects of Moomiaii in Traditional Medicine. *Galen Medical Journal*. Vol 9 (2020)
2. Hosseini Tonekaboni M M, *The Gift of Hakim Momen*, with introduction by Najmabadi M, Tehran: Bouzarjomehri, 1338. [Persian]
3. Aghili Shirazi M H, *The Repository of Medicine*, edited by Shams Ardakani MR and others, Tehran: Rah-e Kamal and Tehran University of Medical Sciences. 1387. p. 849/10. [Persian]
4. Ibn Hawqal M, *Travelogue of Ibn Hawqal (Iran in the image of the earth)*, translated by Shaar J, Tehran: Iranian Culture Foundation, 1345. p. 66-67. [Persian]
5. Chardin J, *Chardin's travelogue*, translated by Yaghmaei E, Tehran: Toos, vol. 2, 1372. p. 711/2, [Persian]
6. Ghavam M, Dour S, *A Study of Indigenous Knowledge of Momenai Therapeutic Applications (Case Study: Behbahan County)*, *Bi-Quarterly Journal of Iranian Indigenous Sciences*, Spring and Summer 1395. Year 3, Issue 5. p. 157, 163, 159. [Persian]
7. Debud C A, *Travelogue of Lorestan and Khuzestan*, translated by Aria MH, Tehran: Cultural Science, 1384. p. 190-191. [Persian]
8. Dekhoda A A, *Persian Dictionary*, Tehran: University of Tehran, 1371. [Persian]
9. Ibn Faqih Hamadani A, *Summary of Countries: Section Related to Iran*, translated by Hakimi MR, Tehran: Iranian Culture Foundation, 1379. p. 13. [Persian]
10. Khosravi M, *Medicinal plants and how to use them in traditional medicine*, Tehran: Mohammad Publishing. v1. 1386. PP. 223,224,225. [Persian]
11. Pashino P I, *Travelogue of Turkestan and Transoxiana*, translated by Davudkhanov M, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research, v1, 1372. p. 71 [Persian]
12. Ayneh Chi Y, *Medical Dictionary and Medicinal Plants of Iran*, Tehran: University of Tehran Press, 1365. p. 1809. [Persian]
13. Rezvanipour M, Pourzadeh Hosseini F, Malek Pourafshar R, Zarabi A, *Investigation of the effect of Mummia on some indicators involved in wound healing in mice*, *Journal of Kerman University of Medical Sciences*, Fall 1386, v 14, No 4, pp. 277-267. [Persian]
14. Rahmani Baroji, S. *Evaluation of the anti-cancer effect of mumia on breast cancer cell line (mcf7)*. [PhD thesis], Tabriz University of Medical Sciences, Iran, 2020, p. 19, 16-17. [Persian]
15. Maghdasi M, *Ahsan Al-Taqasim Fi Maarefat-e Al-Aqalim*, translated by Manzavi A, volumes 2, Tehran: Company of Authors and Translators, 1361. pp. 638/2, 594/2. [Persian]
16. Polack J E, *Iran, the land and its people*, translated by Jahandari K, Tehran: Kharazmi Publications, 1361, PP. 451, 51, 402, 70. [Persian]
17. Barimani L, *Traditional medicine and medicines (traditional prescriptions)*, Tehran: Gutenberg. v3, 1386. p. 620/3. [Persian]
18. Floor W, *People's Health in Qajar Iran*, translated by Nabipour I, Bushehr: Persian Gulf Health Research Center. 1386. PP. 207, 205. [Persian]
19. Curzon G N, *Iran and the issue of Iran*, translated by Javaherkalam A, Tehran: Ibn Sina, 1347. p. 277 [Persian]
20. Ibn Balkhi, *Farsnameh*, Shiraz: Persian Studies Foundation, 1374. p. 450. [Persian]
21. Schwarz P, *Iran im mittelalter nach den arabischen Geographen*, Leipzig: Nachdruck Olms, Hildesheim 1969, pp. 95-97
22. Gemelli Careri GF, *Careri travelogue*, translated by Nakhjavani A and Karang A, Tabriz: General Directorate of Culture and Arts of East Azerbaijan. 1348. p. 192. [Persian]
23. Ibn Rosteh A, *A'laq-o al-Nafiseh*, translated by Qara Chanlu H, Tehran: Amirkabir. 1365. p. 185. [Persian]
24. Allah Tawakkoli M, Khaksari Haddad M, Asar Sh, *Comparison of the effect of topical application of mummy and phenytoin cream on skin wound healing in rats*, *Scientific Journal of Babol University of Medical Sciences*, Spring 1382, Year 5, No. 2, pp. 13-7, p. 8. [Persian]
25. Cherikov, *Colonel Cherikov's travelogue*, translated by Christian Abkar, edited by Omran AA, Tehran: Pocket Books Company. 1358. p. 101. [Persian]
26. Hollingbery W, *Newspaper of Serjan Malkam's delegation to the Iranian court in 1799, 1800 and 1801*, translated by Amini AH, Tehran: Ketabsara, 1363, P. 49. [Persian]

27. Layard A H, *Layard's travelogue*, translated by Amiri M, Tehran: Vahid. p. 177. [Persian]
28. Istakhri A, *Masalek va mamalek (Roads and Countries)*, edited by Afshar I, Tehran: Book Translation and Publishing Company, 1340. p. 135. [Persian]
29. Edrisi M, *Iran in the book of the Nozhat Al-Mushtaq*, translated by Ayati A, Tehran: Iranology Foundation. 1388. P. 45 [Persian]
30. Trouville G, *Travel in Iran*, translated by Etemad Moghaddam M, Tehran: Shabaviz, 1367. p. 149. [Persian]
31. Ibn Sina H, *Qanoon*, translated by Sharafkandi A, Tehran: Soroush, 1383. pp. 222/2, 223/2, 263/4, 90/5, 571/6. [Persian]
32. Zahri M, *Geography*, translated by Qara Chanloo H, Tehran: Ershad Publishing House, 1382. p. 104. [Persian]
33. Razi M, *Two treatises on the benefits of Vinegar and honey and the properties of Mummia*, translated by Moghaddas E. Tehran: Niloberg, 1391, p. 39-41. [Persian]
34. Rezvanipour M, Khatibi H, *Evaluation of the effects of Mummia on healing and fracture of rabbit tibia*, 12th Iranian Congress of Physiology and Pharmacology, Tehran University of Medical Sciences. 1378. [Persian]
35. Azizpour Y, Azizi M, Asadollahi Kh, Abbasi N, Idi A, Karimi E, *The effect of Mumie hydroalcoholic extract on the expression of osteoprotein (OPG) and active receptor of nuclear factor kappa beta ligand (RANKL)*, *Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*, February and March 2017, Volume 24, No 6 (Issue 24), pp. 120 to 129. [Persian]
36. Jorjani I, *Kharazmshahi Archive*, Qom: Institute of Natural Medicine Rehabilitation, V2. 1391. p. 818, [Persian]
37. Shahriari M, Zare F, Nimrouzi M. *The Curative Role of Bitumen in Traditional Persian Medicine*. *Acta medico-historica adriatica: AMHA*, 2018, 16(2), 283-292. pp. 286, 287, 290
38. Rahmani Barouji S, Shahabi A, Torbati M, Fazljou S, Yari Khosroushahi A. *Mummy Induces Apoptosis Through Inhibiting of Epithelial-Mesenchymal Transition (EMT) in Human Breast Cancer Cells*. *Galen Medical Journal*. Vol 9 (2020).
39. Neyshabouri E, *Stories of the Prophets*, Tehran: Cultural Science. v1. 1384. p. 284. [Persian]
40. Ouseley W, *Travels in Various Countries of the East, More Particularly Persia II*, London, 1821, pp. 117-121.
41. Navai A, *Documents and political correspondents in Iran: from 1105 to 1135 AH*, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research, Vol 1, 1363. p. 32. [Persian]
42. Azari O, Kheirandish R, Sardar Mahni V, Salari Amin R, *The effect of mummia ointment on the healing process of skin wounds in rabbits*, *Quarterly Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, Fall 2011, Volume 18, No 3 (Series 61); pp. 165-158.



ORIGINAL ARTICLE

History of the "Mummia" in Iran; its Nature, Origin, and Application

Mehdi Alijani¹ , Dr Mahboubeh Sharafi^{2*} 

1. Ph.D. student in Iranology, Iranology Foundation, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahre-Rey Branch, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 5 November 2020

Accepted: 14 January 2021

Published online: 11 February 2021

Keywords:

Mummia

Persian Medicine

Mineral medicines

Fracture

ABSTRACT

Background and Aim: The "Mummia" is a mineral that has been used medicinally in Iran for a long time and was mostly used in the treatment of bone fractures and wounds. Research has been done on its therapeutic applications in modern medicine, but no research has been done on naming, type and composition, origin, mines, trade, folk beliefs, and the historical therapeutic application of the "Mummia." This research tries to deal with all these cases in a historical process to clarify this material's nature and remove ambiguities about it.

Materials and Methods: This descriptive-analytical study examined all aspects of "Mummia" in Iran, and in addition to library resources, the latest Articles and the results of new scientific experiments were reviewed.

Findings: The findings show that the "Mummia" is an Iranian name and the Iranian "Mummia" was of high quality and at some times was one of Iran's export products. Most of its mines were located in the southern part of Iran, especially in Fars. This substance was a costly commodity and was used to treat most diseases, especially fractures, contusions, wounds, etc., and was considered a miracle medicine by the people.

Conclusion: New scientific experiments have proved some therapeutic. Uses of "Mummia" in the treatment of fractures and wounds, gastrointestinal problems, and breast cancer, but in a general conclusion, it should be said that its therapeutic properties were greatly exaggerated in the past.

* Corresponding Author: Mahboubeh Sharafi

Postal Address: Department of History, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahre-Rey Branch, Tehran, Iran.

Email: sharafi48@yahoo.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Cite this article as:

Alijani M, Dr. Sharafi M. History of the "Mummia" in Iran; its Nature, Origin, and Application. Medical History Journal 2021; 13(46): e5.